

دکتر الهه کولانی\*

## نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح در جهان

### چکیده:

با گسترش توجه جهانی به ضرورت حمایت از حقوق اساسی انسان‌ها، موضوع خشونت و ستیزش، به‌ویژه آثار خسارت‌بار جنگ برای همه آحاد بشری به‌خصوص زنان، در سال‌های اخیر از توجه روزافزون برخوردار شده است. زنان همواره از خشونت‌های گوناگون، به‌ویژه در جریان درگیری‌های مسلحانه به شدت آسیب دیده‌اند. مقابله با اعمال خشونت و تلاش برای ترویج فرهنگ صلح در جهان طی دهه‌های اخیر، محور بسیاری از نشست‌های منطقه و بین‌المللی قرار گرفته است. اینک در متن تلاش‌های جهانی برای مقابله با خشونت، درگیری و جنگ، نقش زنان به‌عنوان حاملان مهم صلح مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله روند تحولات مربوط به اهمیت یافتن روزافزون جایگاه زنان در تحکیم و ترویج صلح جهانی بررسی شده است.

### واژگان کلیدی:

زنان، صلح، جنگ، فرهنگ صلح، خشونت علیه زنان، حقوق بشر.

\* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:  
"نظریه پردازی، مفاهیم و فرضیات در علوم سیاسی"، سال ۷۲، شماره ۳۰؛ "فکر نوین شوروی و روابط شرق و غرب (ترجمه)"، سال ۶۹، شماره ۲۵؛ "کشورهای آسیای مرکزی و سازمان همکاری‌های اقتصادی"، سال ۷۳، شماره ۳۳؛ "روند نوگرایی اسلامی در آسیای مرکزی"، سال ۷۷، شماره ۳۹؛ "برداشتی کوتاه از نظریه چرخه‌های طولانی در سیاست‌های جهانی"، سال ۷۷، شماره ۴۱؛ "تحول در نظریه‌های همگرایی"، سال ۸۰، شماره ۵۴؛ "یهودیان روسیه"، سال ۸۰، شماره ۵۴؛ "توسعه روابط روسیه و اسرائیل با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران"، سال ۸۱، شماره ۵۷؛ "زنان در عرصه عمومی، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران"، سال ۸۲، شماره ۶۱؛ "زمینه‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی"، سال ۸۴، شماره ۶۷؛ "گزارش نشست بانک جهانی در قاهره (زنان در اقتصاد)"، سال ۸۴، شماره ۶۹.

طی دهه‌های اخیر، در پرتو گسترش روزافزون مباحث حفظ و ترویج احترام به حقوق و آزادی‌های بشری که در مکتب اسلام از آن به عنوان «کرامت انسانی» تمجید و تکریم بسیار به عمل آمده، دفاع از حقوق انسانی به‌طور چشمگیری مورد توجه قرار گرفته است. اینک تلاش برای شناسایی و رفع اشکال گوناگون خشونت علیه زنان در جوامع بشری، عرصه خصوصی و عرصه عمومی گستره قابل توجهی از این مباحث را شکل داده است. موضوع رفع خشونت علیه زنان که در جوامع گوناگون با اشکال متنوع ظاهر شده، امروز به یکی از دغدغه‌های جهانی تبدیل شده است. مقابله با اعمال خشونت توسط حکومت‌ها یا اشخاص طی جلسات و گردهمایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با دستاوردهای مهمی همراه گردیده است. از آنجا که زنان همواره در شمار قربانیان آشکارترین تعرض علیه حقوق انسانی‌شان در جریان جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه قرار داشته‌اند، (UN, 2002) این مقاله به بررسی «نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح در جهان» و اقدامات جهانی برای تحقق آن پرداخته است.

در جریان جنگ‌های خونین نژادی در بالکان که در پی نابودی نظام‌های کمونیستی و تجزیه یوگوسلاوی گسترش یافت، عرصه دهشتناکی از اعمال خشونت‌های سازمان یافته قومی علیه زنان شکل گرفت، که بیش از پیش اهمیت پرداختن به این موضوع را روشن کرد. پس از آن با در نظر گرفتن تکرار همیشگی قربانی شدن زنان و کودکان در جریان جنگ‌های مسلحانه این موضوع با جدیت بیشتری در جامعه جهانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اساساً با گسترش جریان جهانی دفاع از حقوق انسانی زنان این روند از رشد پرشتابی برخوردار گردیده است. در کنار اشکال گوناگون خشونت علیه زنان، سوءاستفاده منظم از زنان در جریان منازعات مسلحانه، شکل جدیدی را از ارتکاب جرایم ضدبشری علیه آنان به نمایش گذاشته است.

در کشور ما نیز در طول هشت سال دفاع از ایران در برابر تجاوز رژیم صدام حسین، زنان ایرانی فداکاری‌ها و رشادت‌های کم‌نظیری را در متن اقدامات همه‌جانبه عمومی در کشور به نام خود به ثبت رساندند. زنان بسیاری در نخستین روزهای تجاوز

نیروهای رژیم بعث، قربانی خشونت‌های گوناگون نیروهای عراقی شدند. آنها به هر ترتیب در جریان این تلاش‌های مستمر توانستند نقش مؤثری را در حمایت از دفاع مجدانه از کشور محقق سازند. زنان ایرانی با حمایت از مردان (همسران و فرزندان یا پدران خود)، به روند دفاع همه‌جانبه از کشور در برابر تجاوز ارتش عراق عینیت بخشیدند. هر چند تجربه صدمات شدید ناشی از جنگ خاص زنان ایرانی نبوده، زنان افغانی، زنان بوسنیایی، و زنان رواندایی نیز تجارب هولناکی را از این اقدامات غیرانسانی اندوختند. در واقع در همه جریان‌های ناشی از درگیری‌های مسلحانه، زنان به‌دلیل آسیب‌پذیری‌های خود به شدت از وقوع این مخاصمات دچار مصیبت و رنج شده‌اند.

هرچند زنان در شکل‌گیری درگیری‌ها و جنگ‌ها در جهان کمتر نقش داشته‌اند، ولی بدون تردید آنها بیشترین هزینه‌های انسانی را در ایفای نقش‌های مادری - همسری - فرزندی پرداخته‌اند. آسیب‌پذیری زنان در عرصه خصومت‌های خشن و مسلحانه، سبب شده تا اینک جریان پر قدرتی از مباحث جهانی برای کاهش دادن به دردها و مصیبت‌های آنان شکل بگیرد. (UN, 1998, pp. 2-3) در تداوم و گسترش تلاش‌های حمایت از حقوق انسانی همه آحاد جامعه بشری، و در امتداد مباحث دفاع از حقوق فطری همه آحاد بشر، در طول دو دهه اخیر این اقدامات از شتاب بیشتری برخوردار شده است. با توجه به نقش بنیادین زنان در ترویج رفتارهای محدود و کنترل‌کننده خشونت، و اساساً نقش تربیتی و انسان‌ساز زنان اینک جامعه جهانی با بهره‌گیری از تأثیر عمیق زنان در اصلاح امور جوامع بشری، و نیز آسیب‌های شدید وارد آمده بر آنان در جریان مخاصمات مسلحانه، برای دفاع از حقوق انسانی زنان، نقش مؤثر آنان را در ترویج فرهنگ صلح برجسته ساخته است.

## تلاش‌های جهانی

پیش از برگزاری کنفرانس جهانی زن در پکن ۱۹۹۵/۱۳۷۴ در مورد خشونت‌های گوناگون علیه زنان در جریان منازعات مسلحانه بحث‌های پراکنده‌ای وجود داشت. نویسندگان بسیاری در مورد رنج‌های تحمیل شده بر زنان در جریان جنگ‌ها و ستیزش‌های نظامی آثار خود را منتشر کرده بودند. مدافعان جهانی حقوق زنان در مورد اهمیت اقدام در این زمینه بحث‌های زیادی را سازمان داده بودند. این واقعیت که زنان بزرگ‌ترین خسارت‌دیدگان جنگ‌ها هستند، سهم بزرگی از آوارگان و پناهندگان را تشکیل داده است. تخریب بنیاد خانواده بیشترین صدمات را بر آنها و به‌طور طبیعی بر جامعه وارد می‌آورد، و اینکه آنان قربانیان اصلی خشونت‌های نظامی هستند، مسئله را پراهمیت‌تر ساخته بود. (نسرین مصفا، ۱۳۸۳، ص ۳) تجربه‌های گوناگون در سراسر جهان این واقعیت را بارها به نمایش گذاشته است.

در جریان حمله ارتش عراق به مناطق مرزی ایران در آغاز دهه ۱۹۸۰/۱۳۶۰ و اشغال شهرها و روستاهای مرزی، در سالیان بعد با کشف گورهای دسته‌جمعی زنان و دخترانی همراه شد، که مورد وحشیانه‌ترین رفتارها قرار گرفته بودند. این تجربه بارها و بارها در سراسر جهان تکرار شده است. در درگیری‌های خونین نظامی آغاز دهه ۱۹۹۰/۱۳۷۰ در بالکان، هم در روند پاکسازی قومی، صرب‌ها از باردار کردن اجباری دختران و زنان مسلمان به عنوان سلاحی هولناک علیه مسلمانان که در جنگ با آنها بودند، بهره می‌گرفتند. گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای از برنامه‌ریزی منظم و مستمر برای تحقق این هدف از سوی سربازان صرب به گزارشگران بین‌المللی ارائه شده است. در سراسر جهان در طول دو دهه گذشته نشست‌ها و کنفرانس‌های بسیاری برای معطوف کردن توجه جهانی به ابعاد و پیامدهای خسارت بار این نوع رفتارها بر زنان گزارش شده است.

بررسی‌ها نشان داده که اقدامات تجاوزکارانه، درگیری‌های نظامی، سیاست‌های

استعماری و هرگونه مداخله خارجی، و نیز تروریسم و رفتارهای خشونت‌آمیز زنان را بیشتر مورد آسیب قرار داده است. نقض حقوق انسانی زنان و کودکان در جریان جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی به‌طور آشکار بنیان‌های سلامت و امنیت جامعه بشری را مورد تهدید قرار داده است. (UN. 2000, pp. 13-19) از سوی دیگر هزینه‌های گزاف مسابقات تسلیحاتی و سیاست‌های نظامی‌گرایانه نیز با تخصیص منابع ضروری برای توسعه همه‌جانبه و فقرزدایی و کاهش آثار محرومیت و عقب‌ماندگی بازم بر مشکلات و مصایب زنان جهان افزوده است. روند مهاجرت‌های ناشی از مخاصمات مسلحانه که به‌طور مستقیم بخش‌های توسعه‌یافته جهان را نیز هدف قرار می‌دهد، خود دلیل مناسبی برای توجه و تمرکز بیشتر بر این مسئله بوده است.

سیل پناهندگان و آوارگان قربانی درگیری‌های نظامی عامل مهمی در برهم‌خوردن ثبات و آرامش کشورهای توسعه‌یافته جهان بوده، که بر تلاش‌های همه‌جانبه آنان در این زمینه افزوده است. میزان چشمگیر بودجه‌های نظامی کشورهای در حال توسعه، زنان را که قربانیان اصلی برنامه‌های توسعه در طول دهه‌های گذشته بوده‌اند، تحت فشار بیشتری قرار داده است.

به هر ترتیب عقب‌ماندگی اقتصادی - اجتماعی مناطق درگیر در منازعات مسلحانه، به تهدیدی برای ثبات و امنیت جهانی تبدیل شده، که این موضوع را با اهمیت بیشتری در منظر کارگزاران بین‌المللی قرار داده است. درگیری‌های نظامی، سبب تعرض بیشتر به حقوق انسانی زنان و کودکان به صورت‌های گوناگون شده است. این امر سبب بروز تحولات در موازین حقوق بین‌الملل نیز شده است. پس از کنفرانس جهانی پکن صندوق زنان سازمان ملل متحد UNIFEM با توجه و پی‌گیری جدی‌تری این موضوع را مورد توجه قرار داده است. (UN. 1997)

در پایان سال ۱۹۹۲/۱۳۷۱، جهان از افشای جنایات سازمان‌یافته صرب‌ها علیه زنان مسلمان به شدت دچار شگفتی و تأسف شده بود. در روزنامه‌ها و نشریات مختلف گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای از اقدامات صرب‌ها برای باردار کردن زنان مسلمان و اهانت

به زنان و مردان مسلمان به چاپ می‌رسید. (UN. 2000, p. 2) کاملاً روشن است که این تجربه‌های هولناک چگونه جامعه جهانی را تکان داد، و بر حرکت جمعی برای مقابله با نقض حقوق انسانی زنان، و آثار هولناک آنان بر مردان تأثیر گذاشت. صرب‌های بوسنی تحقیر و تخفیف مسلمانان را با قربانی کردن زنان به شیوه‌ای سازمان‌یافته برای کسب پیروزی هدف قرار داده بودند. تا آن زمان، زنان هم در جنگ‌ها و درگیریهای مسلحانه قربانی می‌شدند ولی تجربه بوسنی تجربه‌ای جدید بود، از اقدام سیستماتیک برای تعرض به زنان برای تحقق اهداف تعریف شده نظامی و کسب پیروزی بر دشمن، و این تجربه‌ای جدید بود.

همان‌گونه که اشاره شد تجربه بوسنی در طول تاریخ جنگ‌های جهان بی‌نظیر نبود، و بارها زنان در جریان جنگ‌ها مورد سوء استفاده قرار گرفته و قربانی شده‌اند. ولی حوادث بوسنی در تجاوز سیستماتیک و سازمان‌یافته زنان و بارداری ناخواسته آنان روند جدیدی از نقض حقوق انسانی زنان را به نمایش گذاشت.

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹/۱۳۲۷ تصویب شد، و در پایان جنگ جهانی دوم برای دفاع از حقوق قربانیان منازعات مسلحانه تلاش‌های جدیدی آغاز شد. در سال ۱۹۷۷/۱۳۵۶ دو پروتکل الحاقی نیز بر قدرت اجرایی آن افزود و دامنه آن را به منازعات داخلی گسترش داد. این معاهدات بخشی از حقوق منازعات مسلحانه را تشکیل داد، ولی نتوانست مانع گسترش تجاوز به حقوق انسان‌ها به‌ویژه زنان گردد. (UN. 2000, p.4) ابهامات و نارسایی‌های این معاهدات سبب شد تا توجه بیشتری برای اصلاح چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی تکوین یابد.

شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد ECOSOC در سال ۱۹۶۹/۱۳۴۸ از مجمع عمومی خواست، در این زمینه بیانیه‌ای را در جهت دفاع از حقوق انسانی زنان صادر نماید. اقداماتی نیز بر همین اساس شکل گرفت، ولی مانع بهره‌گیری از «تجاوز» به زنان به عنوان ابزاری نظامی نشد. جنگ بنگلادش مجال دیگری برای ظهور این رفتارهای غیرانسانی بود. (۱۹۷۱/۱۳۵۰) بحث‌های گسترده در طول دهه ۱۹۸۰/۱۳۶۰

نیز ادامه یافت، ولی همچنان زنان، قربانیان اصلی منازعات مسلحانه بودند، و به‌ویژه خشونت‌های جنسی به اشکال گوناگون علیه آنان اعمال می‌شد. در تجاوز عراق به کویت در آغاز دهه ۱۹۹۰ نیز زنان کویتی قربانی رفتارهای غیرانسانی سربازان عراقی شدند. ولی حوادث هولناک بوسنی سبب شد توجه ویژه نسبت به خشونت جنسی علیه زنان در جریان جنگ‌ها و منازعات مسلحانه از تمرکز جدیدی برخوردار گردد. (UN, 2000, p.6)

کنفرانس حقوق بشر در سال ۱۹۹۳/۱۳۷۲ در وین سرآغاز بحث‌های جدیدی در خصوص حقوق انسانی زنان در جریان جنگ‌ها بود. از این هنگام سازمان‌های غیردولتی مدافع حقوق زنان تحرک و تأثیر بیشتری را در جامعه جهانی پذیرا شدند. در سال ۱۹۹۳/۱۳۷۲، مجمع عمومی اعلامیه‌ای را در مورد لغو هرگونه خشونت علیه زنان صادر کرد، و خواستار توقف اعمال هر نوع خشونت علیه زنان در جریان منازعات مسلحانه شد. از همان زمان مسئله بردگی جنسی<sup>۱</sup> و بردگی جدید مورد توجه قرار گرفت. کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵/۱۳۷۴ با حضور صدها نماینده از سوی جامعه مدنی و دولت‌های جهان، قاطعانه خواستار پایان دادن به نقض حقوق انسانی زنان در جریان درگیری‌های مسلحانه شد. حوادث هولناک در رواندا، الجزایر، و اوگاندا بی‌عملی جامعه جهانی را در برابر مصایب و رنج‌های زنان روشن می‌ساخت. (UN, 2000, p.10)

در نشست گروه تخصصی سازمان ملل در کانادا در آذر ۱۳۷۶ / نوامبر ۱۹۹۷ برخورد قطعی و مؤثر جامعه جهانی با تعرض به زنان در جریان جنگ‌ها خواسته شد. شرکت‌کنندگان آموزش و تربیت افراد، کسب مشارکت فعال جامعه جهانی، اجرای مقررات و نظارت بر آن از سوی نهادهای بین‌المللی را خواستار شدند. (UN, 2000, p.12)

سازمان فرهنگی ملل متحد UNESCO نیز همراه با نهادهای جهانی، برنامه تشویق و ارتقاء نقش زنان در فرهنگ صلح را مورد توجه قرار داد. از شهریور ۱۳۷۶ / سپتامبر

<sup>۱</sup> - Sexual Slavery

۱۹۹۷ در برنامه یونسکو ضرورت آموزش و تربیت مردان برای تأمین هدف حفظ شرافت و حقوق انسانی زنان مورد تأکید قرار گرفت. گروه کارشناسان یونسکو (UNESCO, 1997, p. 4) ضرورت تحول در زندگی اجتماعی، سلسله مراتب قدرت، محتوای سازمانی، و دگرگونی‌های فرهنگی و روانی را مورد توجه قرار داده بودند. در این زمینه شرایط اقتصادی، هویت‌های فرهنگی و اجتماعی، تنش‌های روانی، و اهمیت دگرگونی‌های نگرشی و تاریخی مطرح شده بود. هرگونه تعصب قومی - نژادی - جنسیتی، و افراط‌گرایی در این مسیر تهدیدآمیز برآورد شده بود. در بحث‌های کارشناسان یونسکو برای پایان دادن به آلام زنان در جریان منازعات مسلحانه، تحول در فرهنگ نواحی در حال توسعه و ترویج بردباری و باورهای عمیق انسانی در مورد حقوق دیگران مورد نظر بود. (UNESCO, 1999, pp. 6-7)

به این ترتیب در سپتامبر ۱۹۹۹ برنامه عمل برای ترویج فرهنگ صلح<sup>۱</sup> مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. در این اعلامیه فرهنگ صلح برخاسته از مجموعه‌ای ارزش‌ها، ایستارها، سنت‌ها و روش‌ها و رفتارهایی در جامعه بشری تعریف شده که برای تحول در رفتارهای هولناک علیه زنان در جریان منازعات مسلحانه ضروری تلقی شده بود. (A/53.L.79, 1999)

پیشبرد برنامه‌های توسعه و کاهش فقر و محرومیت، تأکید بر آموزش و تعلیم و تربیت در این بحث‌ها جنبه محوری داشت. پذیرش حقوق همه انسان‌ها و ترویج رعایت موازین حقوق بشر در این اعلامیه مورد تأکید جدی قرار داشت، و نقش برجسته‌ای برای دولت‌ها در نظر گرفته شده بود، تا آمادگی و تغییرات لازم برای تحقق این هدف را فراهم آورند. جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز در این زمینه از وظیفه مهمی برای ترویج و تعمیق ارزش‌های انسانی برخوردار شده بودند. برای سازمان ملل متحد نیز در اجرای این دگرگونی‌ها و پیشبرد آن جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده

<sup>۱</sup> - Culture of Peace



بود.

در اهداف اعلام شده از سوی یونسکو، تحول فرهنگی و تعمیم ارزش‌های صلح و بشردوستی جایگاه مهمی داشت. (یونسکو، ۱۳۷۸) در این زمینه به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها و ابزارهای داخلی و بین‌المللی درخواست شده بود. تصویب‌کنندگان این اعلامیه اهمیت گسترش رویکردهای بردبارانه و پذیرش حقوق انسان‌ها را از طریق ترویج و گسترش فرهنگ گفتگو و مذاکره مورد تأکید قرار داده بودند. (یونسکو، ۱۳۷۸) این سیاست سپس در سال ۲۰۰۱/۱۳۸۰ از طریق نامگذاری این سال به عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها به ابتکار سیدمحمدخاتمی رئیس‌جمهوری وقت ایران پی‌گیری شد.

بر اساس نکات مورد اشاره در سال ۲۰۰۰/۱۳۷۹ کنفرانس جهانی زنان به عنوان شرکای صلح<sup>۱</sup> در نیویورک برگزار شد. در اعلامیه این کنفرانس با اشاره به مصیبت‌های زنان آفریقایی که همچنان در جریان منازعات مسلحانه قربانی می‌شدند، عزم جامعه جهانی برای متوقف ساختن این فجایع درخواست شده بود. شرکت‌کنندگان در این کنفرانس خواستار، حضور فعال و مؤثر زنان در گفتگوها و برنامه‌های برقراری و حفظ صلح در مناطق مورد حمله شدند. از دیدگاه تصویب‌کنندگان بیانیه این کنفرانس، بدون حضور زنان این تلاش‌ها به نتیجه مورد نظر نخواهد رسید. (Women as Partners for Peace, 2000, pp. 1-2)

در این نشست ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای برای تحقق اهداف یاد شده تقاضا شده بود. در بیانیه کیگالی بر ضرورت آموزش و ترویج فنون مذاکره و ائتلاف‌سازی تمرکز شده بود. گسترش روابط اجتماعی سازمان یافته نیز مورد توجه قرار داشت. استفاده از رسانه‌های عمومی در این جهت توجه زیادی را به خود جلب کرده بود. بر اساس مباحث مطروحه در این نشست، رسانه‌های عمومی نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری در پیشبرد برنامه‌های صلح‌سازی<sup>۲</sup> ایفا می‌کنند. (Women as Partners for Peace, 2000, p. 3)

<sup>۱</sup> - Partners for Peace

<sup>۲</sup> - Peace Building

مدافعان حقوق زنان بر خلاف واقع‌گرایان در روابط بین‌الملل و تحلیل جنگ و صلح از سوی آنان، صلح را نه فقط فقدان جنگ، بلکه تحقق مجموعه‌ای از اهداف اجتماعی - فرهنگی تعریف کرده‌اند. (Susan.C. Coast) این گروه‌ها به گونه‌های مختلف خشونت علیه زنان (جنسی، قومی، مذهبی، و مانند آن) تأکید دارند. مدافعان حقوق زنان که موضوع صلح را مورد بررسی قرار داده‌اند، به صلح از منظر رویکردی اثباتی می‌نگرند. به این ترتیب انجام اقداماتی برای از میان بردن زمینه اعمال هرگونه خشونت علیه زنان را مورد توجه قرار می‌دهد. (Susan.C. Coast)

در متن فعالیت‌هایی که برای مقابله با جنگ، و ترویج فرهنگ صلح صورت گرفته، گرایش قابل‌توجهی برای بازنگری در روابط بین‌الملل بر پایه نگرش جنسیتی بوده است. بر این اساس سیاست جهانی تحت تأثیر دیدگاه‌های مردانه قرار دارد. مدافعان حقوق زنان از این دیدگاه ستیزه‌جویی و تمایل به استفاده از زور را ویژگی سیطره مردان بر عرصه سیاست برآورد کرده‌اند. از این دیدگاه زنان نیز تحت تأثیر نفوذ مردان، رفتارهای ستیزه‌جویانه را ترویج می‌کنند. (فرانسیس فوکویاما، ۱۳۸۵، ص ۲۰)

فمینیست‌ها جهان را نیازمند نظم سیاسی - اقتصادی جدیدی می‌دانند، تا در چارچوب آن رنج‌های بی‌پایان زنان کاهش یابد. گروه‌های بسیاری از زنان در برابر ستم‌های هولناک و تکراری که در جریان منازعات مسلحانه بر آنها وارد آمده، ترویج صلح، فرهنگ صلح و مبارزه با منازعات مسلحانه را هدف قرار داده‌اند. «اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی» یکی از نهادهایی است که این تلاش‌ها را در سراسر جهان هماهنگ می‌کند. کنفرانس‌های جهانی زنان که از ۱۹۸۵ در نایروبی هر ۵ سال یک‌بار تشکیل شد، و آخرین آن در پکن ۱۹۹۵ برگزار شد، به کانونی برای فعالیت‌های گروهی صلح طلب زنان تبدیل شده است. در نشست‌های جهانی، زنان و گروه‌های طرفدار صلح کوشیده‌اند، جامعه جهانی را متوجه مصیبت‌هایی سازند، که در جریان جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی بر زنان می‌رود. (Valentine Moghaddam, 2002, p.71)

از دهه ۱۹۸۰ شبکه جهانی سازمان‌های غیردولتی زنان در سراسر جهان برای مبارزه با جنگ و مصایب گسترده آن برای زنان و کودکان فعالیت‌های وسیعی را شکل بخشیده‌اند. همراه با افزایش تعداد زنان تحصیل‌کرده، صاحب درآمد و مستقل این فعالیت‌ها از گستره و عمق بیشتری برخوردار شده است. تجارب مشترک زنان اراضی اشغال شده در فلسطین، در رواندا، در الجزایر، در افغانستان، و در عراق شرایط لازم را برای همکاری‌های بین‌المللی زنان در مقابله با جنگ و سعی مجدانه برای تقویت فرهنگ صلح فراهم آورده است. (Valentine Mogaddam, 2002, p. 72)

### سال بین‌المللی فرهنگ صلح و دهه ترویج فرهنگ صلح

در چارچوب گسترش تلاش‌های روزافزون برای پایان دادن تجاوز به شرافت و حقوق انسانی زنان در جریان درگیری‌های مسلحانه، نشست‌ها و کنفرانس‌های متعددی در سراسر جهان برگزار شد. محققان و کارشناسان از سراسر جهان برای یافتن راهکارهای مناسب در این زمینه بحث‌های گوناگونی را ترتیب دادند. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در آمریکا و اروپا در این زمینه برنامه‌های متعددی را طراحی و اجرا کردند. (Women Waging Peace, 2000)

آنها نمایندگان سازمان‌های غیردولتی و حکومت‌ها از سراسر جهان را به شرکت در برنامه‌ای فراگیر برای متوقف کردن خشونت جنسی علیه زنان در جریان درگیری‌های مسلحانه فراخواندند. ادبیات وسیعی در این زمینه ایجاد شد. سازمان‌های مدافع حقوق بشر نیز در این تلاش‌های گسترده همراه شدند.

به این ترتیب سازمان ملل متحد با تأکید بر این نکته که در پی فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، نه تنها انتظارات مردم جهان در ترویج صلح برآورده نشده، تهدیدات جدید علیه امنیت جهانی را مطرح گردیده است. آثار فقر، محرومیت، تبعیض و بی‌عدالتی داخلی و خارجی، سرکوب داخلی یا خارجی، بیگانه‌ستیزی و جنایت علیه اقلیت‌ها و پناهندگان، روشنفکران یا روزنامه‌نگاران بازتاب‌های وسیع خود را بر صلح و

امنیت جهانی آشکار ساخته است.

سازمان ملل متحد که وظیفه اصلی آن حفظ و تقویت صلح، و پیشگیری از وقوع جنگ و درگیری‌های مسلحانه است، به جای تخصیص منابع کلان برای برقراری صلح از طریق اعزام نیروی نظامی و مرمت و بازسازی خرابی‌های جنگ، پیشبرد توسعه را به عنوان بهترین عامل برای جلوگیری از درگیری‌ها هدف قرار داد. برقراری صلح، شرط اصلی تحقق توسعه و اهداف همه جانبه آن تلقی شده است. به این ترتیب یونسکو به عنوان سازمان علمی - فرهنگی ملل متحد وظیفه ایجاد ظرفیت‌های ذهنی و روانی لازم برای گسترش فرهنگ صلح را بر عهده گرفت. یونسکو نیز اندیشه دفاع از صلح برپایه همبستگی فکری و اخلاقی انسان‌ها را هدف قرار داد. این سازمان با تبلیغ و ترویج فرهنگ صلح، راهبرد میان‌مدت خود را در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۵/۱-۲۰۰۱-۱۹۹۶ گسترش فرهنگ صلح اعلام کرد.

از دیدگاه یونسکو فرهنگ صلح، الزامی ضروری و انکارناپذیر برای ایجاد جهانی قابل قبول برای همگان است. (ترویج فرهنگ صلح، ۲۰۰۰، ص ۳) فرهنگ صلح ریشه‌کنی فقر و بیماری‌های ناشی از آن، تساوی بیشتر در برخورداری از رفاه و دانش، و امکان دستیابی همگانی به آموزش را ترویج می‌کند. فرهنگ صلح بر تحکیم خط‌مشی دموکراتیک اصرار می‌ورزد و دموکراسی را ضامن حفظ حاکمیت قانون و احترام به حقوق همگان معرفی می‌کند. (ترویج فرهنگ صلح، ۲۰۰۰، ص ۳)

بر اساس اسناد یونسکو فرهنگ صلح فرآیند دگرگونی فردی، جمعی و نهادی است. این فرهنگ به پرورش و ترویج اعتقادات و اقداماتی منجر می‌شود که مردم هر کشور، به تناسب با ساختارهای ویژه تاریخی - فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی خود به آن عمل می‌کنند. تأکید بر تبدیل رفتارهای خشونت‌آمیز به همکاری بر پایه ارزش و اهداف مشترک در تداوم ترویج این فرهنگ شکل می‌گیرد. ایجاد این فرهنگ با اقدامات جامع آموزشی، اجتماعی، مدنی شکل می‌گیرد. احترام و صیانت از حقوق بشر برای اجرای این سیاست ضروری تلقی شده است. جامعه مدنی، رسانه‌ها، گروه‌های مرجع و افراد

نخبه و برگزیده مؤثر بر مردم در مسیر ترویج آن بسیار تأثیرگذار هستند. (ترویج فرهنگ صلح، ۲۰۰۰، صص ۷-۶)

یونسکو ترویج فرهنگ صلح را چارچوبی برای حفظ کرامت انسانی که در پرتو آن محرومان، جدامانندگان و حاشیه نشینان فرصت واقعی برای جذب در جامعه را به دست می‌آورند، تعریف می‌کند. این فرهنگ تساوی بیشتر در برخورد از رفاه و دانش و آموزش را در نظر دارد، و تحکیم روش‌های دموکراتیک را دنبال می‌کند. (ترویج فرهنگ صلح، ۲۰۰۰، ص ۸) به این ترتیب سال ۲۰۰۰/۱۳۷۹ سال بین‌المللی فرهنگ صلح و سال ۲۰۰۱/۱۳۸۰ سال گفتگوی تمدن‌ها نام گرفت، تا زمینه تلاش‌های جهانی برای مبارزه با مشکلات جهانی به‌ویژه آلام زنان فراهم آید. با وقوع حوادث تروریستی در سال ۲۰۰۱/۱۳۸۰ این تلاش‌ها به شدت تحت تأثیر امنیتی شدن فضای جهان قرار گرفت، که بحث آن از چارچوب این نوشتار خارج است.

در برنامه یونسکو تحکیم مبانی مفهومی و هنجاری فرهنگ صلح، آموزش فرهنگ صلح، بهبود محتوا و روش‌های آموزشی و تعلیم فرهنگ صلح مورد تأکید قرار گرفت. ارتقای کثرت‌گرایی فرهنگی یکی از ابعاد مهم این برنامه را تشکیل داده است. برای اجرای این برنامه‌ها در جهت تحقق هدف ترویج و تعلیم فرهنگ صلح، توانمندسازی زنان برای مشارکت دموکراتیک در فعالیت‌های سیاسی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده است. (همان، ص ۲۰) بدون تردید جوانان، همانند زنان در ترویج فرهنگ صلح از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. به همین منظور برنامه‌های وسیعی در سراسر جهان با برگزاری همایش‌ها، سمینارها و اجرای برنامه‌های آموزشی اجرا گردید.

در متن اقدامات مورد توجه یونسکو اجرای برنامه‌های گسترش تساوی و عدالت در میان زنان و مردان جایگاه مهمی داشته است. تأمین منابع مالی لازم برای حضور فزاینده زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی - اقتصادی، گسترش یک جنبش جهانی برای افزایش و گاهی در مورد ضرورت حمایت از قربانیان جنگ‌ها و پایان دادن به خشونت علیه زنان در جریان آن، مهارت‌آموزی در زمینه عوامل جنسیتی مربوط به فرهنگ صلح

و حمایت از زنان در رسانه‌ها، تشکیل و گسترش شبکه‌های زنان و نیز آموزش و ارتقای آگاهی‌ها و مهارت‌های آنان به منظور ارتقای خودباوری و بهبود فرصت‌های زندگی و شغلی دختران در این برنامه‌ها قرار داشته است. (ترویج فرهنگ صلح، ۲۰۰۰، ص ۲۴۱)

در فعالیت‌های یونسکو «دگرپذیری» و ترویج فرهنگ مدارا و تساهل مورد تأکید قرار گرفته، تا شرایط لازم برای رفع خشونت در اشکال گوناگون آن فراهم گردد. برقراری صلح از این دیدگاه با همبستگی فکری و معنوی جامعه بشری ارتباط مستقیم پیدا کرده است. دگرپذیری در اسناد یونسکو پذیرش و درک ارزش و احترام به تنوع غنی فرهنگ‌های جهانی است و اشکال تجلی و طرق گوناگون انسان بودن است. ترویج سعه صدر، ارتباطات و آزادی اندیشه و عقیده در این زمینه ضروری برآورد شده است. در جهت تحقق این هدف دولت‌ها با وضع قوانین مناسب نقش مهمی را ایفا می‌کنند. محرومیت‌های گوناگون می‌تواند به رفتار خشونت‌آمیز دامن بزنند. بر این اساس دگرپذیری و مدارا باید از درون خانه‌ها، مدارس و نهادهای اجتماعی تقویت و ترویج شود. در اسناد یونسکو صلح حق بشریت تلقی شده، که همگان باید از مزایای آن در تأمین نیازهای گوناگون خود بهره‌مند شوند. (ترویج فرهنگ صلح، ۲۰۰۰، ص ۶۳)

### قطعهنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد و پیامدهای آن

سرانجام تلاش‌های جهانی برای حمایت از زنان در جریان مخاصمات مسلحانه و آثار پس از درگیری‌ها همراه با دشواری‌های عظیم زنان در این حوادث به صورت مفاد قطعهنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت حمایت عملی جامعه جهانی را به الزامی انکارناپذیر تبدیل ساخت. با صدور این قطعهنامه، کشورهای جهان به ملاحظه و حمایت از حقوق انسانی زنان در جریان درگیری‌های نظامی موظف شدند. (UN. 2000) البته صدور این قطعهنامه به تنهایی سرنوشت زنان، اصلی‌ترین قربانیان منازعات مسلحانه را تغییر نمی‌دهد، ولی صدور آن بیانیه از توجه به یک ضرورت مهم جهانی در دفاع از حقوق

انسانی زنان حکایت می‌کند. به هر حال تأمین عدالت برای زنان و دختران از طریق به-کارگرفتن و درگیرکردن آنها در فرآیند حفظ و پاسداری از صلح از مهم‌ترین نتایج صدور این قطعنامه در سال ۲۰۰۱ بوده است. تجارب هولناک بالکان و منازعات خونین صرب‌ها و مسلمانان بوسنی مجالی را برای چشم‌پوشی از این ضرورت باقی نگذاشت. برگزاری کنفرانس عدالت جنسیتی برای زنان در شرایط پس از درگیری‌های مسلحانه پرداختن به این امر مهم را در دستور قرار داده بود. (ILAC, UNIFEM) توسعه صندوق زنان سازمان ملل متحد و کنسرسیوم حقوقی اتحادیه بین‌المللی برگزارکنندگان این نشست بودند، که تحت عنوان «صلح به زنان و زنان به صلح نیاز دارند»، در شهریور ۱۳۸۳ / سپتامبر ۲۰۰۴ در نیویورک برگزار شد. در این نشست با توجه به تلاش‌های انجام شده پس از صدور قطعنامه ۱۳۲۵ در شهریور ۱۳۷۹ / اکتبر ۲۰۰۰ امید به حضور مؤثر زنان در تحکیم صلح و ثبات بین‌المللی برجسته‌تر شده بود. (UN, 2000) تأمین عدالت و رفع نابرابری‌ها و ایجاد شرایط عدم نقض حقوق انسانی زنان محور مباحث مطرح شده در این نشست بود. (UNIFEM, 2004)

بر اساس بررسی‌های انجام شده که گزارش آن در این کنفرانس ارائه شد، برای اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ و تأمین عدالت جنسیتی برای زنان، ممانعت از تضييع حقوق حقه آنان، و بروز مصایب شدید برای جامعه بشری باید قوانین داخلی کشورها، آداب، رسوم، و نظام قضایی آنها تحول لازم را در این مسیر پذیرا شود، و زمینه رفع رفتارهای تبعیض‌آمیز علیه زنان و نیز اجرای مقررات بین‌المللی برای دفاع از زنان در شرایط وقوع منازعات مسلحانه فراهم گردد. (UNIFEM, 2004, p.4) در این کنفرانس، پایان بخشیدن به جنایت علیه زنان و ایجاد فضای مسئولیت‌پذیری، همسازی، و بردباری، از طریق ایجاد عدالت حساس به مسائل جنسیتی و سازوکارهای اجرای عدالت برای رفع مشکلات قدیم صدمات به زنان توجه شده است. (UNIFEM, 2004, p.5) با توجه به تلاش‌های انجام شده در سال‌های اخیر، شرکت‌کنندگان در این نشست اهمیت اصلاحات در زیرساخت‌های قضایی، نهادها و فرآیندهای مربوط برای ارتقاء فعالیت

زنان برای تحقق عدالت را بسیار مهم برآورد کردند. (UNIFEM, 2004, p.12)

این کنفرانس در شرایط سقوط رژیم‌های دیکتاتوری در افغانستان و عراق و تشدید خسارات عظیم برای زنان افغانی و عراق برگزار شد. بر پایه تجارب افغانستان و عراق نمایندگانی از هر دو کشور حضور داشتند. بر همین اساس به‌کارگیری آموزش فنی و تخصصی برای قضات، دادستان‌ها و حقوقدانان زن بسیار مهم ارزیابی شده بود، و نیز ارتقاء آموزش‌های حقوقی و ارائه مساعدت‌های قانونی به زنان. (UNIFEM, 2004, p. 15)

تجربه‌های انباشته شده در عراق و افغانستان در این کنفرانس مورد بررسی قرار گرفت، و بر ایجاد و تقویت نهادها، مکانیسم‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌های حکومتی، و نیز در سطح نهادهای مدنی و تشکل‌های اجتماعی، برای تأکید بر نگاه جنسیتی و توجه به مسائل زنان و پیشبرد و تقویت مشارکت آنان در نهادها و فرآیندهای انتقالی (سیاسی - فقه - انتخاباتی - اقتصادی و بازسازی) بسیار پراهمیت تلقی شد. (UNIFEM, 2004, p.16)

بر اساس مذاکرات و بررسی‌های انجام شده در این نشست بهبود شرایط اجتماعی - اقتصادی زنان برای ارتقاء مهارت‌ها و توانمندی‌های آنان، و مشارکت در زندگی عمومی و اقتصادی (همانند نهادها و فرآیندهای انتقالی) ضروری تلقی شد، و نیز توجه به عواملی که مانع دسترسی برابر به خدمات اساسی عمومی (آموزش، بهداشت) و فرصت‌های اقتصادی می‌شوند، مورد تأکید قرار گرفت. (UNIFEM, 2004, p.18)

در این کنفرانس اهمیت حضور زنان در فرآیندهای صلح‌سازی و مذاکرات صلح، و نیز اجرای آن مورد توجه قرار داشت، و مشارکت فرآیندهای زنان و انتقال نگاه جنسیتی به این فرآیند (مثل بودجه‌بندی مبتنی بر حساسیت جنسیتی) در تمام سطوح؛ مفهوم‌سازی، طبقه‌بندی در اجرای اقدامات صلح با سازمان ملل متحد، و اجرای قوانین و مقررات پذیرفته شده؛ ورنیز گزارش، ارزیابی، و نظارت بر عملیات با حضور آنان خواسته شد. (UNIFEM, pp. 20-22)

در کنفرانس «صلح به زنان و زنان به صلح نیاز دارند»، انجام اقداماتی برای



مسئولیت پذیری و پاسخگویی مقامات ملل متحد که در عملیات حفظ صلح و حمایت از قربانیان شرکت دارند، مورد تأکید قرار گرفت. گزارش‌های مربوط به برخی سوءاستفاده‌ها توسط نیروهای عملیات صلح سازمان ملل متحد، و اعمال خشونت‌های جنسی علیه زنان با انتقادات وسیعی از سوی کشورها و نمایندگان جامعه مدنی در سراسر جهان همراه بوده است. گزارش این سوءاستفاده‌ها با تحریک شدید عواطف عمومی نسبت به آلام زنان در این زمینه همراه شد. در این مباحث، تقویت نگاه جنسیتی و تأمین عدالت برای زنان در برنامه‌های صلح بانی و اجرای عملیات صلح مورد تأکید ویژه قرار گرفت، و اینکه ساختارهای جدیدی برای تسریع فرآیند گسترش و تعمیق نگاه جنسیتی در این برنامه‌ها باید در سازمان ملل متحد به‌وجود بیاید. (UNIFEM, 2004, p.25)

#### پس از ۱۱ سپتامبر

حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ شرایط جهانی را به‌طور اساسی دگرگون ساخت. این انتظار در پی اصلاحات گورباچف در اتحاد شوروی ایجاد شده بود، که با پایان جنگ سرد زمینه بسیاری از مناقشات منطقه‌ای و جهانی از میان خواهد رفت. چنین تصور می‌شد که با پایان تقابل دو قطب قدرت در جهان صلح و آرامش حیات بشری را شکوفا خواهد ساخت، و منازعات مسلحانه و مصایب ناشی از آن برای زنان کاهش خواهد یافت. حوادث خونین بالکان توهم‌آلود بودن این انتظارات را روشن ساخت، و حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر در واشنگتن و نیویورک شیخ دیگری از ترس و وحشت را در جهان به حرکت درآورد، که مقدمه را برای طرح نظریه‌های جدیدی مانند حمله پیشدستانه فراهم آورد. اجرای این نظریه سبب شد زنان افغانستان و عراق تجارب دردناکی را برای اجرای آن ثبت نمایند.

آثار جهانی شدن و تشدید شکاف میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای توسعه نیافته، به‌ویژه در خاورمیانه به تکوین شرایط جدیدی منجر شد، که تلاش‌های پیشین را

به شدت تحت تأثیر ویرانگر خویش قرار داده است. در شرایط پس از یازدهم سپتامبر و اقدامات تروریستی در نقاط مختلف جهان ترویج فرهنگ صلح با دشواری‌های جدی مواجه شده است. البته این دشواری‌ها به نوبه خود سبب افزایش تلاش‌های حامیان ترویج فرهنگ صلح در جهان بوده است.

پس از حملات یکجانبه آمریکا به افغانستان و عراق و آثار هلاکت بار آن برای مردم این کشورها به ویژه ۱۱ سپتامبر زنان و کودکان گروه‌های مدافع حقوق زنان و صلح‌طلبان فعالیت‌های خود را شدت بخشیده‌اند. گروه‌های مدافع حقوق زنان در خاورمیانه نیز در پاسخ به این سیاست‌ها تلاش‌های خود را گسترش داده‌اند. آخرین صحنه‌های دردناک هزینه‌های عظیم منازعات مسلحانه را زنان و کودکان لبنانی ۲۰۰۶ پرداخته‌اند. صلح دوستان جهان ناباورانه حملات همه جانبه اسرائیل به خاک لبنان و کشتار غیرنظامیان به ویژه زنان و کودکان را در پاسخ به گروگان‌گیری دو سرباز اسرائیلی مشاهده کرده‌اند.

### جمع‌بندی

مهاتما گاندی گفته بود: «اگر عدم خشونت به قاعده رفتارها تبدیل شود، آینده از آن زنان خواهد بود». (Sanderson Beck) بی‌تردید قرن‌های طولانی است که زنان قربانیان اصلی جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی را تشکیل می‌دهند، هرچند معمولاً در ایجاد آن نقش نداشته‌اند. در آستانه هزاره سوم اینک شرایط زنان و رنجی که از منازعات مسلحانه بر آنها تحمیل شده، ابعادی بسیار نگران‌کننده‌تر پیدا کرده است. هرچند در سال‌های اخیر در واکنش نسبت به آلام گسترده و بی‌شمار زنان و کودکان در عرصه‌های جنگ و درگیری بحث‌ها و مذاکرات بسیار انجام شده، ولی به نظر می‌رسد تا رسیدن به نتایج عملی، راهی طولانی فراروی زنان همه نواحی جهان، به‌ویژه مناطق کمتر توسعه‌یافته جهان وجود داشته باشد. مقررات و قواعد بین‌المللی اینک

چارچوب‌های حمایتی گوناگونی را در دفاع از حقوق و شرافت انسانی زنان فراهم آورده، که ایجاد موازین قانونی ضروری برای اجرایی بودن آن به‌شمار نمی‌آید. همان‌گونه که اشاره شد، بدون درگیر کردن زنان در سطوح مختلف فعالیت‌های اجتماعی، بدون مشارکت فعال و مؤثر سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی آنان، و بدون تغییر در نگرش‌ها و باورها، آداب و رفتارها نسبت به زنان و رعایت شئون انسانی آنها، که به‌ویژه کشورهای اسلامی در این زمینه از ذخایر ارزشمندی برخوردار هستند که تحت‌تأثیر رسوب و غبارهای قرون طولانی از نظرها پنهان مانده، حمایت عملی و اجرایی از حقوق انسانی زنان به‌ویژه در عرصه منازعات مسلحانه شکل نخواهد گرفت. این مهم عزم استوار ملی و جهانی، بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های جامعه سیاسی و جامعه مدنی را الزامی می‌سازد. این امر بدون مشارکت فعال مردان و البته خود زنان صورت نخواهد پذیرفت.

مواجهه با این واقعیت‌های تلخ و گزنده که: از ۹۰ میلیون مهاجر در جهان، ۴۹ درصد آنان را زنان تشکیل داده‌اند، که نسبت به سال ۱۹۶۰ رشد چشمگیری داشته، و در تاریخ جهان هیچ‌گاه این تعداد زن مهاجر پناهنده وجود نداشته، و اینکه قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان اینک سومین گردش مالی عظیم جهانی را پس از مواد مخدر و تسلیحات به‌خود اختصاص داده، به تنهایی کافی است تا ضرورت اقدام جهانی و ملی در کنار یکدیگر، برای این ناهنجاری‌های سهمگین را روشن سازد.

این تفکر در شرایط دشوار کنونی جهان همچنان قدرتمند است، که «صلح باید قطعاً از درون خود ما آغاز شود.» ارزش‌ها، رفتارها، نگرش‌هایی که بتوانند حس با هم بودن را که امروز در جهان مورد تهدید قرار گرفته تقویت کنند، پایه‌های صلح از درون زندگی روزمره ما، آمادگی شنیدن حرف‌های دیگران، و گفتگو با آنان براساس برابری شکل می‌گیرد. افکار عمومی جهانی همچنان فرهنگ صلح را مورد تأکید قرار می‌دهد، هر چند حوادث هولناکی مانند ۱۱ سپتامبر تحقق و ترویج آن را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

## منابع و مأخذ:

### الف - فارسی

- ۱ - ترویج فرهنگ صلح و یونسکو، اداره عمومی اجتماعی کمیسیون‌های یونسکو در ایران اسفند ۱۳۷۸/ فوریه ۲۰۰۰.
- ۲ - فرانسیس فوکویاما، فمینیست‌ها و سیاست قدرت، ترجمه ابراهیم سلطانی، شرق، سال سوم، شماره ۸۳۱، ۸۵/۵/۲۱.

### ب - لاتین

- 1- Fifty-Third Session, Agenda Item 31, Culture of Peace A/53/L.79, 10. Sep. 1999.
- 2 - International Legal Association Consortium, ILAC, UNIFEM.
- 3 - Male Roles and Masculinitier in the Perspective of a Culture of Peace (Report) Expert Group Meeting Oslo, Norway, 24-28, Oslo. 1997.
- 4 - Mogaddam, Valentine, Violence, Terrorism and Fundamentalism: Some Feminist Observation, Global Dialogue, Vol.4, No.2, Spring 2002.
- 5 - Press Release, United Nations 24 oct. 1997, [www.unifem.undp.org/prpetit.html](http://www.unifem.undp.org/prpetit.html).
- 6- Report of the Conference on Gender Justice in Post-Conflict Situations, 15-17 Sep. 2004, New York, UNIFEM (United Nations Development Fund for Women).
- 7 - Sanderson Beck, The Way to Peace: Women and Peace, [www.san.beck.org/WP29-UDME.html](http://www.san.beck.org/WP29-UDME.html).
- 8 - Sectual Violence and Armed Conflict, United Nations Response, Women 2000, Ap. 1998.
- 9 - Susan C. Coates, Peace, Feminism in International Relations [www.binghamton.edu/~wdmhist/wilpf/bibliograh.html](http://www.binghamton.edu/~wdmhist/wilpf/bibliograh.html).
- 10 - Women Waging Peace, 2000 Colloquium, Fall 2000 update, Harvard's Kennedy School of Government.
- 11 - Women as Partners for Peace, Kigali, Rwanda June 24-30, 2000.